

در مجالس النفایس آمده است که حال مدتی است عزلت اختیار کرده و تا زمان تألیف این تذکره (یعنی سال ۸۹۶) هنوز می زیسته است، و اگر چنین باشد انتساب وی بدوره بایسنغر میرزا، دشواری نماید.
از آثار خطوط وی دیده ام:

یک نسخه ظفرنامه تیموری در The Walter Art Gallery شهر بالتیمور امریکا، که آنرا برای سلطان حسین میرزا باقر نوشته است و تاریخ سال ۸۷۲ دارد. این نسخه در کتابخانه پادشاهان گورکانی هندوستان بوده و خط جهانگیر پادشاه در پشت کتاب موجود است؛

یک قطعه از مرقع بهرام میرزا در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول، بقلم کتابت ونیم دودانگ متوسط، بارقم: «مشقه العبد شیرعلی عفا الله عنه»؛
سه قطعه از مرقعهای مختلف، در همان کتابخانه، بقلمهای سه دانگ و کتابت وغبار خوش و متوسط، بارقم و تاریخ: «کتبه العبد شیرعلی عفا الله عنه فی سنة ثلث و خمسين وثمانمائة، کتبه العبد شیرعلی تجاؤز الله عنه» و «کتبه العبد شیرعلی».

شیرین رقم	=	عبدالله - میر
شیرین قلم	=	محمد مراد
شیرین قلم	=	محمد هاشم

ص

صابر	=	مهدی
صابری	=	علی بن فتح الله اصفهانی
صاحب قلم	=	میرزا آقا ارومیه ای

(۴۴۰) صادق منشی نظام - میرزا

در آثار عجم است که از جمله سخن دانان و فضیله آذربایجان بود و در جمله خطوط مهارت داشت و بسال ۹۰۳ در شیراز درگذشت.

(۴۴۱) صادق خان - حاجی میرزا

فرزند حاجی میرزا باقر کاشانی، نستعلیق جلی را نیک می نوشت و شکسته نستعلیق را با مزه. غالباً سمت کارگزاری دولت را در مرزهای کشور داشت. بقول سپهر بسال ۱۲۸۲ درگذشت.

صادق شیرازی	=	محمد صادق
صالح	=	محمد صالح بن امیر نور سعید

(۴۴۲) صالح

از خوشنویسان گمنام قرن دوازدهم و چندین قلم را خوش می نوشته است و از آثار وی مرقعی در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است بقلم ثلث و رفاع و نسخ و از جمله نستعلیق دودانگ خوش، بارقم: «مشق بیچاره سرگشته عبدطالح، کلمب درگاه رضا، بنده مؤمن، صالح».

صالح اصفهانی = محمد صالح

(۴۴۳) صالح اصفهانی - میرزا

شعر می گفت و «عرفان» تخلص می کرد و نستعلیق را خوش می نوشت و بقول سپهر بسال ۱۱۳ در گذشت.

صالح خاتونابادی = محمد صالح

(۴۴۴) صالح بن علی رازی

از قدیم ترین نستعلیق نویسان گمنام و بیخط وی یک نسخه دیوان سلطان احمد، در کتابخانه ایا صوفیه استانبول است، بقلم کتابت خفی متوسط، که چنین تمام میشود: «خدم بکتابه هذه الشریقات المبارکة الشریفة اقل العباد صالح بن علی الرازی فی غرّه شهر جمادی الثانی سنة ثمان مائة الهلالیة، بمدينة السلام بغداد، حماه الله تعالی عن الاضداد».

صالح کشفی = محمد صالح - میر

(۴۴۵) صالح نیرهارباب

کاتب گمنامی از قرن دهم است و بیخط وی، وقتی یک نسخه گلستان سعدی مزین مصور مزین دیده ام، بقلم کتابت جللی متوسط، بشیوه سلطان محمد خندان با تاریخ ورقم: «فی شهر شعبان المعظم سنة ۹۵۱، کتبه العبد المذنب الحقیر الفقیر میر صالح بن میر طاهر المشتهر به «نیرهارباب» غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما».

(۴۴۶) صالحی هروی

بنقل صاحب هفت اقلیم و شمع انجمن، در تحریر انواع خطوط درجه کمال

داشته و مدتی در سلک مشیایان دربار اکبر پادشاه هندوستان (۹۶۳-۱۰۱۴) بسر می برده است و بقول بداونی، سلیقه تمام در شعر و انشاء داشت. در آخر عمر بهرات، موطن خود باز گشت و همانجا در گذشت.

(۴۴۷) صحیفی

بنقل صاحب هفت اقلیم از خط و تذهیب و صحافی و وصالی سر رشته داشت. صاحب تذکره میخانه ویرا از شیراز و منسوب بصوفی خلیل ذوالقدر دانسته گوید شعر فارسی و ترکی هر دو را خوب می سراید و اشعارش بیشتر در نعت ائمه معصومین است.

حکیم شفائی با شعار صحیفی معتقد بود و در تاریخ مرگ او سروده است:

چون صحیفی جواهری زقضا	ز جهان رفت جانب عقبی
دل خلق جهان بسوخت برو	همه را دیده گشت خون بالا
بی بدل بود در فنون سخن	در فن شعر بود بی همتا
تا قیامت برین کتابه دهر	رقم خط او بود برجها
سال فوتش ز عقل جستگم گفت	(رفت ملا صحیفی از دنیا)

که می شود سال ۱۰۲۲. وهم اومی گوید که در خوشنویسی و کتابخانه مرتب ساختن یکتا بود. تقی الدین کاشانی او را بسال ۹۸۷ در اصفهان ملاقات کرده است.

از خطوط وی کتیبه ایست که اخیراً در داخل مسجد جامع اصفهان از زیر گچ بیرون آورده اند و بقلم سه دانگ کتیبه ثلاث عالی و نستعلیق متوسط است و چنین رقم دارد: «السلطان شاه عباس الصفوی... و فقی بتعمیر هذا البقعة خادم الفقراء نورالدین محمد بن جلال الدین محمد بن حکیم الاصفهانی. رقم صحیفی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۹۹۶».

صدر آفاق	= معزالدین - میر
صدرالدین بن شرف جهان	= محمد
صدرالدین - سید	= محمد صدرالدین

(۴۴۸) صدرالدین - امین

از مردم اسکوی آذربایجان و پاسبه برادر خود، از امرای دربار شاه طهماسب صفوی بود که در نزد شاه ترقی بسیار کردند، ولی چون روستائی بودند و کم تجربه، خاطرات کان دولت و ملازمان دربار را از خود رنجه ساختند، بلکه شاه نیز از ایشان آزرده شد و ایشان را با سکو روانه کرد.

امیر صدرالدین شعری گفت و نستعلیق را خوش می نوشت و در هنگام تألیف تحفه ساسی (سال ۹۵۷) هنوز می زیست.

(۴۴۹) صدرالدین محمد لواسانی

فرزند میرزا شمس الدین حکیم الهی ثانی پسر میرزا جعفر حکیم الهی (شاگرد حاج ملاهادی سبزواری) بود. نستعلیق را استادانه می نوشت و در خط نستعلیق شاگرد عموی خود، میرزا علی محمد صفای لواسانی خوشنویس بود. صاحب طرائق - الحقایق بسال ۱۳۱۴ در لواسان ویرا ملاقات کرده است و تا سال ۱۳۱۹ هنوز می زیسته.

از خطوط وی دیده ام:

یک نسخه مصطلحات الصوفیه، بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه صدرالدین محمد بن شمس الدین محمد بن محمد جعفر الالهی النطاسی اللواسانی... بجهة تقدیم حضور... ولیعهد... [مظفرالدین میرزا قاجار] گردون مهد دولت علیه ایران. سنه ۱۳۱۲» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه منتخب نثر الالهی، بقلم کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «بجهة ضبط ترکیب از روی خط استاد بزرگوار عم آکرم، آقا میرزا علی محمد صفا نقل شد. وانا العبد صدرالدین بن شمس الدین الشهیر بحکیم الهی عفی عنه. سنه ۱۳۱۹» در همان کتابخانه.

صدر الشعراء	= غلام حسین میرزا
صدر الصدور	= عبد الجبار
صدر الکتاب	= ابراهیم آملی
صدر الکتاب	= محمد رضا اصفهانی

(۴۵۰) صدقی

از خوشنویسان زبردست گمنام قرن دهم و یازدهم و بیخط وی دو قطعه در مرقدی از کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است، بقلم سه دانگ و دودانگ و کتابت عالی و رقم و تاریخ: «کتبه المذنب صدقی غفر الله سبحانه ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۰۰۱».

صفا	= عبد الحمید تفرشی
صفا	= علی محمد لواسانی
صفا	= حاج محمد ابراهیم = میرزا آقا
صفا	= حاج محمد رضای سلطان الکتاب شیرازی
صفاء السلطنه	= عباس نائینی
صفاء السلطنه	= علی نائینی
صفائی اصفهانی	= محمد - ملا

(۴۵۱) صفائی سرهندی

سردی آهسته و هموار و تتبع علوم متداول کرده بود. شعر نیکو می گفت و کتابت نستعلیق او بامزه بود و بسال ۱۰۰۲ تاریخ تألیف هفت اقلیم، هنوز می زیست.

۴۵۲) صفدر علی - سید

از نستعلیق نویسان گمنام حدود قرن دوازدهم و سیزدهم هندوستان و بیخط وی قطعه‌ای در موزه باستانشناسی دهلی است، بقلم کتابت جلی متوسط، با رقم: «کتابه المذنب سید صفدر علی».

۴۵۳) صفر شاه - خلیفه

از کاتبان گمنام خوشنویس قرن دهم و معاصر سلطان علی شهدی است و با اینکه از بیشتر خوشنویسان معاصر خود خوشتر نوشته است، ترجمه احوالش را ضبط نکرده‌اند و بیخط وی یک نسخه کلیات خواجوی کرمانی در کتابخانه سلطنتی است که چنین تمام میشود: «تمت الکلیات من کلام افصح الشعراء... ابوالعطاء محمود الملقب والمشتهر بخواجو کرمانی علیه الرحمة والغفران، فی رجب المرجب سنه سبع وعشرين وتسعمائة. کتبه العبد الفقیر خلیفه صفر شاه عفا الله عنه».

۴۵۴) صفی - آقا

فرزند آقا احمد معروف و برادر آقا ملک بود و پدرش سالها منصب معرفی اصفهان را داشت. خود وی سردی خوش طبع و شعرشناس بود. جز نستعلیق، تعلیق را نیز خوش می‌نوشت و از انشاء و قوف داشت. تا حدود سال ۱۰۱۰ تاریخ تألیف خلاصه الاشعار، هنوز در قید حیات بود.

۴۵۵) صنیع الله آماسیوی

از نستعلیق نویسان عثمانی و شیخی جلیل القدر بود. نستعلیق را از رویش - عبدی تعلیم گرفته بود. میرزا حبیب گوید آثار خطی وی بسیار است.

۴۵۶) صنعی نیشابوری - میر

شاعری خوش طبع بود و در فن عروض مهارت داشت. صاحب گلستان هنر وی را از شعراء مقرر دانسته است و گوید که در محاوره و آداب سخن مطبوع بود و همه خطوط خصوصاً نستعلیق را خوش می‌نوشت. هنگام تألیف تحفه ساسی (سال ۹۵۷) در قید حیات بود و سپهر وفاتش را سال ۹۸۱ ضبط کرده است.

صهنائی = عبدالباقی